

آیا حجاریان سمبل آزادی است؟

در جریان تظاهرات‌های خیابانی اخیر صدها نفر بازداشت شده‌اند. درمیان بازداشت شدگان تعدادی از سران اطلاع طلب نیز دیده می‌شوند. این مسئله فرصت دیگری به دستگاه‌های عظیم رسانه‌ای قدرتهای مسلط جهانی داده است تا از کاتال مصاحبه با شکنجه‌گران سابق که امروز بدلیل اختلاسلیقه با حاکمان ایران در خارج از کشور بسر می‌برند، سران اطلاع طلب را در اذهان به عنوان ناجیان مردم و مدافعان راستین آزادی و پیام‌آوران رهایی‌جا بزنند. قدرتهای جهانی، همچون طبقه سرمایه‌دار ایران، در هراسند که کارگران وتوده‌های بجان آمده با پرچم، خواسته‌ها وشعارهای خودشان به میدان آیند و بساط چپاولگریشان را برچینند. آنها نگرانند که مبادا کنترل اعتراضات از دست مدافعان طبقاتی شان خارج شود.

اخیرا، با ظاهر شدن تصاویرکشته شدن ندا در رسانه‌های جهان، درنده‌خویی جمهوری اسلامی در پیش چشم جهانیان قرا گرفت. با اعلام اینگه ندا نه از هواداران سینه‌چاک موسوی بود و نه احمدی نژاد دشوار بود تا بتوان با خون ندا آبرویی برای اصلاح طلبان خرید. اما آقای گنجی اخیرا طی اطلاعیه‌ای با بکارگیری تجربه ندا میکوشد تا از آقای حجاریان سمبل اسارت و نوید دهنده آزادی بسازد. گنجی در فراخوان خود مینویسد "اگر عکس و فیلم لحظات جان دادن ندا به تنهایی توانست جهان را تکان دهد و به عنوان نماد وندای نهضت اعتراضی مردم ایران درآید، عکس‌های حجاریان هم میتواند بیانگر وضعیت رعب‌آور بازداشت شدگان باشد".

آیا براستی حجاریان سمبل آزادیخواهی و رهایی است، یا او تنها قربانی دستگاه رعب و وحشتی است که خود آن را برپا کرده است. امروز حجاریان در پشت میله‌های همان زندانی نشتسته است که خود بعنوان بنیانگذار اطلاعات و سپاه در درون آن، هزاران انسان بیگناه را بدست شکنجه‌گران سپرد و به بالای دار فرستاد. امروزبا حجاریان به همان شیوه‌هایی ازاعتراف‌گیری و توابسازی، رفتارمیشود که او خود از مبتکران و اجراکنندگانش بود.

حقیقت این است که دستان حجاریان و شرکای او درسازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، کارگزاران سازندگی، حزب کروی و جبهه مشارکت، به همان اندازه به خون انسانهای معترض و بیگناه آلوده است که دستان احمدی نژادها و خامنه‌ای‌ها. حجاریانها و گنجی‌ها در طول حیات سیاسی خود آنجا که بر اریکه قدرت تکیه زده بودند هرگزدر سرکوب، شکنجه و اعدام مخالفین تردیدی بخود راه ندادند. آنها غیرانسانی‌ترین روشهای شکنجه را برای اعتراف‌گیری ابداع و بکار بستند.

آقای گنجی گویا عطوفت خامنه ای در دوران حضورتان در " دانشگاه اوین " ، حافظه تاریخی تان را خط خطی کرده است. بیاد میاورید زمانیکه شما و آقای حجاریان و آقای سروش که او هم امروز به سمبل آزادمندی تبدیل شده، چگونه زیر لوای "انقلاب فرهنگی" دستورحمله به دانشگاههای سراسر کشور را صادر نمودید وباندهای سیاه چماق بدست، همان لباس شخصی های امروز را به جان دانشجویان انداختید. آیا حمله فالانژیستهای قمه بدست و مسلح به کلت (لباس شخصی های امروز) و شلیک به سوی دانشجویان دانشگاههای تهران، تبریز، خوزستان، رشت و سیستان و بلوچستان در اردیبهشت ماه سال 1359، را بیاد می آورید، که در جریان آن صدها دانشجو به خون در غلطیدند، دستگیر شدند و به جوخه های اعدام سپرده شدند. اعدام بیش از 2000 نفر از مخالفین سیاسی خود را تنها کمتر از سه ماه از فروردین تا مهر ماه سال شصت چطور؟

سرکوب کارگران را بیاد می آورید؟ تیراندازی به صفوف کارگان بیکار اصفهان، درود، اندیمشک، ماهشهر و کشتار آنان را. اولین توابع سازیهها و اعتراف گیریهای تلویزیونی را چطور؟ بیاد دارید که چگونه در سال 60 مادران زندانیان سیاسی را به مصاحبه های تلویزیونی مجبور میکردید، به اظهار ندامت و پشیمانی و امیداشتید و آنها را وادار میکردید تا فرزندان خود را لو داده یا با دستان خود به جوخه های اعدام بسپارند. قتل عام های دهه 60 را چطور؟ آیا اعدامهای دستجمعی روزانه را که در روزنامه های رسمی نیز درج میکردید. توابع سازیهای این سالها را چطور. آیا بیاد می آورید که چگونه بازجویان شما پیش از اعدام دختران جوان، به آنها تجاوز میکردند، چرا که طبق قوانین اسلام انقلابی تان دختران باکره را نمیتوان اعدام کرد. شکنجه و تجاوز به نوجوانان در حضور مادران و پدران برای وا داشتن به اعتراف و گرفتن اطلاعات را چطور؟ نمایش های تلویزیونی اعترافات دهه شصت را که در آن زندانیان سیاسی پس از شکنجه های طاقت فرسا به اظهار ندامت و پشیمانی و داشته میشدند را بیاد می آورید؟ قتل عام زندانیان سیاسی سال 68 را چطور؟

این همه شقاوت و وحشیگری در دستگاه اطلاعاتی ای سازماندهی و اجرا شد که آقای حجاریان بنیانگذار و شما از کارگزارانش بودید. شما و اصلاح طلبان متحدتان براستی حق دارید، امروز اعلام کنید که روشهای اعتراف گیری احمدی نژاد تاکتیکی است که دیگر " نخ نما" شده است.

شما طی سالهای اخیر تلاش بسیاری کردید تا ننگ شکنجه گر بودن، ننگ چماق بدست بودن، ننگ لباس شخصی بودن و سرانجام ننگ جلاذ بودن را از پیشانی بزداید، غافل از آنکه از چاه در آمده و خود را در منجلاب مدرننه ای انداخته اید که پرونده اش به همان میزان جمهوری اسلامی مملو از جنایت است و تنها شکل دیگری از توهش و سرکوب را نمایندگی میکند. مدرنیته ای که کوس رسوایش

در زندانهای ابوغریب، بازداشتگاههای علنی و مخفی در سطح جهان و دزدیدن مخفیانه مخالفان مدتهاست به صدا درآمده است.

کارگران، توده های زحمتکش

اصلاح طلبان حکومتی سرکوبگران دیروز شمايند. امروز آنها تنها به اين دليل خواهان حضور شما در خيابانها هستند تا از نيروی شما برای بازپس گيري سهمی از قدرت سود جویند. آنها با رسیدن به هدف خویش هر اعتراض شما به اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را با باطوم و گلوله پاسخ خواهند داد.

حال که این جنایتکاران در حال تضعیف کردن یکدیگرند، به میدان آید. سرکوبگران، اعم از اصلاح طلب، سلطنت طلب و دمکراسی طلب را در جدالهایشان تنها بگذارید. به انتظار ناجی ننشینید، به نيروی خودتان اعتماد کنید. مرکز نقل اعتراضات را از خيابانها به محل های کار بکشانید. در این مکانهاست که شما ميتوانید کنترل مبارزات را بدست گیرید.

نشست های عمومی برپا کنید، نمایندگان خود را در کمیته های رهبری و هماهنگی اعتراضات سازمان دهید. اعتصاب عمومی را با شعار لغو کار مزدی و آزادی زندانیان سیاسی تدارک ببینید. همه چیز در دستان شماست به خود آید، به نيروی متشکل خودتان اتکا کنید و قدرت را بدست گیرید. جز بدست گرفتن قدرت و لغو کار مزدی راه دیگری وجود ندارد.

س میکاییلیان